

پنج رساله از محمد کاظم هزار جریبی

محک النبیین فی شأن امیر المؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته

مؤلف:

آیت الله محمد کاظم هزار جریبی

تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان (رحمته الله)

با مقدمه ای از:

حجت الاسلام و المسلمین ابراهیم ارشادی

سرشناسه: هزار جریبی، محمدکاظم بن محمدشفیع، - ۱۲۳۴ق. عنوان و نام پدیدآور: پنج رساله از محمدکاظم هزار جریبی: محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته/ مؤلف: محمدکاظم هزار جریبی؛ مقدمه، تصحیح و حواشی: علی قنبریان (قیاض). مشخصات نشر: تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص. شابک: ۹۷۴۵۹-۷-۵-۱۶۰۰۰۰ ریا ۵-۹۷۴۵۹-۷-۵-۱۶۰۰-۹۷۸: وضعیت فهرست نویسی: فیا. یادداشت: کتابنامه. موضوع: هزار جریبی، محمدکاظم بن محمدشفیع، - ۱۲۳۴ق. موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- فضایل -- احادیث. موضوع: Virtues - Hadiths -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث. موضوع: Ali ibn Abi-talib - Proof of caliphate - Hadiths -- Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- موضوع: شیعه -- عقاید -- متون قدیمی تا قرن ۱۴. موضوع: موضوع: لایت -- احادیث -- متون قدیمی تا قرن ۱۴. موضوع: Early works to ۱۸۰۰ -- Doctrines -- Shi'ah -- Sainthood -- Hadiths -- Early works to ۲۰th century ۱۴. موضوع: متون قدیمی تا قرن ۱۴. موضوع: Early works to ۲۰th century ۱۴. -- Companions -- Virtues -- Early works to ۲۰th century. Muhammad, Prophet, d. ۶۳۲ -- موضوع: ایمان (م) -- متون قدیمی تا قرن ۱۴. موضوع: Early works to ۲۰th century. Faith (Islam) -- موضوع: توحید -- متون قدیمی تا قرن ۱۴. موضوع: Early works to ۲۰th century. Tawhid (Unity of God) -- شناسه افزوده: قنبریان، علی، - تصحیح و تدوین: بنی کنگره: ۱۳۹۶ پ ۹۴/۵/۲۱۱ BP. رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲ شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۴۲۷۶.

پنج رساله از محمدکاظم هزار جریبی

محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته

تألیف: آیت الله محمد کاظم هزار جریبی

تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان (قیاض)

مقدمه: حجت الاسلام و المسلمین ابوالهیم ارشادی

طرح جلد، صفحه آرای و ویرایش: (کتاب آیی):

مؤسسه فرهنگی هنری «نوبن پژوهش و نشر»

ناشر: میراث فرهنگی

چاپ اول/ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه/ بهاء: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۵۹-۷-۵

ارتباط با مؤلف: Ghanbarian.howzeh@yahoo.com



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
ALIGHANBARIAN.IR



مؤسسه فرهنگی هنری
۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
ALIGHANBARIAN.IR

فهرست مطالب

۷	مقدمه حجّت الاسلام و المسلمين ابراهيم ارشادی
۸	فصل اول: جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و مقام ولایت در دین
۱۹	فصل دوم: در مقام اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به ویژه علی علیه السلام
۲۰	فصل سوم: معنای ایمان و مراتب آن
۲۳	فصل چهارم: توحید و صفات ثبوتیه و سلبیه
۲۵	فصل پنجم: زندگانی مختصر مؤلف محترم
۲۷	مقدمه مصحح
۵۱	منابع مقدمه
۵۴	رساله اول: محک النبیین
۵۴	مقدمه مؤلف
۵۶	متن رساله
۷۲	رساله دوم: سلمانیه
۷۲	مقدمه مؤلف
۷۳	متن رساله
۹۵	رساله سوم: محک الایمان
۹۵	مقدمه مؤلف
۹۸	متن رساله
۹۸	باب: دوستی کردن با دوستان خدا و دشمنی کردن با دشمنان خدا
۱۰۲	باب: رفق نمودن و مدارا کردن با خلق و رفق نمودن با ایشان
۱۰۷	باب: حیا کردن
۱۰۸	باب: عفو کردن

- ۱۰۹..... باب: فرو بردن خشم
- ۱۱۰..... باب: حلم ورزیدن
- ۱۱۱..... باب: ساکت شدن
- ۱۱۴..... باب: تواضع و فروتنی
- ۱۱۵..... باب: ورع و پرهیزکاری
- ۱۱۷..... باب: عفت و پاکی
- ۱۱۸..... باب: اجتناب کردن از حرام
- ۱۱۹..... باب: کار و بیکم اخلاق
- ۱۲۰..... باب: نیت یک کار
- ۱۲۱..... باب: قناعت کردن
- ۱۲۳..... باب: کفاف در روزی
- ۱۲۴..... باب: تعجیل کردن در کار خیر
- ۱۲۸..... باب: زیارت کردن مؤمنان یکدیگر
- ۱۳۰..... باب: داخل کردن شادی در دل مؤمنان
- ۱۳۴..... باب: قضای حاجت مؤمن
- ۱۳۸..... باب: تفریح کرب مؤمن
- ۱۳۹..... باب: اطعام مؤمن
- ۱۴۲..... باب: جامه دادن به برادر مؤمن
- ۱۴۳..... باب: اکرام مؤمن
- ۱۴۴..... باب: مصافحه کردن و معانقه با یکدیگر نمودن و زیارت کردن یکدیگر را
- ۱۴۷..... باب: معانقه کردن و بوسیدن رو
- ۱۴۸..... باب: زیارت کردن برادران دینی
- ۱۵۴..... رساله چهارم: رافعة التوهم
- ۱۵۶..... رساله پنجم: ناشناخته

مقدمه حجت الاسلام و المسلمین ابراهیم ارشادی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله و على آله الطاهرين
واللعنة على اعدائهم اجمعين.

پنج رساله ارزشمندی که در پیش روی قاری محترم است، از تألیفات ارزشمند عالم
بزرگوار مرحوم محمد کاظم بن محمد شفیع هزارجریبی است که به نوبه خود مفید و
قابل تعمق می باشد. این رسائل توسط فاضل ارجمند، حجت الاسلام و المسلمین
حاج شیخ علی آبریان تصحیح شده و ایشان بحمدالله در تصحیح و احیاء آثار
بزرگان، موفق هستند؛ شکر الله مساعیه و هو الهادی و الموفق.

ممکن است که خواننده گرامی در اولین وهله از خواندن مطالب و روایات شریفه ای
که ایشان آورده اند، تعجب کند؛ شاید بعضی مشکل باشد حقیر برای اینکه تا
حدودی مطالب این رساله ها روشن تر شود، مطالبی را ذکر می کنم که انشاء الله در
فهم بهتر مطالب مفید باشد.

قبل از هر چیز این نکته قابل توجه است که رسائل همان بزرگوار، از تألیفات جامع
آنها به نوعی دقیق تر و بهتر است بخاطر اینکه در تألیفات وسیع و جامع، افکار
مختلف است و همت های گوناگون می خواهد تا مطالب مستوفی آورد. اما در
رساله ها همت واحد در آنها به کار رفته است و لذا مفیدتر از کتابهاست و تألیفات
وسیع است. بنابراین، باید در رساله های علما خیلی دقت و تعمق کرد.

مرحوم آیت الله هزارجریبی در رساله اولشان فضائلی ارزشمند و دقیق از مولا
علی علیه السلام ذکر فرمودند و ابتلاء و امتحانات انبیاء عظام علیه السلام در مورد ایشان را بیان
کردند که علت گرفتاری های ایشان چه بوده است و از روایات استفاده فرمودند که
یکی از آن علل تأمل در ولایت مولا علی علیه السلام بوده است. لذا لازم است نکاتی در
مورد ولایت ایشان علیه السلام ذکر شود تا خواننده عزیز بصیرت بیشتری پیدا کند و محک به

معنای معیار و ملاک است. یعنی ملاک و معیار انبیای عظام علیهم السلام قبول ولایت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و در رساله دوشمآن مقداری از فضایل صحابه بزرگوار پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان فرمودند که مصداقی باشد برای فائیان در ولایت انقه علیه السلام و الگویی باشد برای تمامی شیعیان که بتوانند و سعی کنند که انشاء الله مثل آن بزرگاران باشند که مورد عنایت آل الله بوده‌اند و لذا چند مطلبی از فضایل آن بزرگواران ذکر می‌شود.

در رساله سوم معیار و ملاک ایمان به خدای متعال و معصومین را بیان فرمودند که ایمان هیچ وقت از عمل جدا نیست و اگر کسی عمل نداشته باشد یا ایمان ندارد و یا ایمانش خیلی ضعیف است لذا معالی در مورد ایمان و مراتب آن ذکر می‌شود. در رساله چهار و پنجم هم به شیعیان در مورد مقام امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره فرمودند و شبهه‌ای هم در مورد توحید و صفات ربوبیه و سلطیه خدای متعال ذکر کرده‌اند که بیان آن هم در مورد توحید و صفات خدای متعال ذکر می‌شود.

فصل اول: جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و مقام ولایت در دین

مطلب اول:

امامت از اصول دین است نه از فروع. خدای متعال در سوره مبارکه مائده آیه سوم می‌فرمایند:

﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ترجمه آیه این است که «امروز کافران از زوال آیین شما مأیوس شدند بنابراین از آن‌ها ترسید و از مخالفت من

بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم».

در این آیه مبارکه چند نکته جای تأمل و دقت است.

نکته اول: اینکه شیعه و سنی قبول دارند که این آیه مبارکه در روز غدیر خم به دنبال آیه ابلاغ ولایت علی علیه السلام نازل شده است از جمله:

۱. دانشمند معروف اهل سنت ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید بن ارقم صحابی معروف نقل می‌کند که این آیه در روز غدیر خم درباره علی علیه السلام نازل گردید.

۲. حافظ ابو نعیم احمد بن حنبل در کتاب «ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام».

۳. خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و سایر بزرگان آن‌ها که همه قبول دارند که این آیه مبارکه در روز عید غدیر نازل شده است. به تفسیر المیزان ذیل همین آیه مراجعه شود.

به تفاسیر روایی شیعه مثل برهان و نورالثقلین مراجعه شود در ذیل همین آیه. مرحوم علامه سید شرف الدین در کتاب شریف المراجعات می‌فرماید:

«نزول این آیه در روز غدیر، در روایات صحیحی که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده، ذکر گردیده و اهل سنت شش حدیث با اسناد مختلف از پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل کرده‌اند که صراحت در نزول آیه در این جریان دارد»^۱ به عزیزان توصیه می‌شود حتماً این کتاب شریف و وزین المراجعات را مطالعه نمایند و به دیگران هم معرفی کنند به فارسی هم ترجمه شده است.

نکته دوم: اینکه در آیه مبارکه در مورد دین لفظ کمال را به کار برد و در مورد نعمت لفظ تمام. اکمال دین و اتمام نعمت. اولاً باید فرق بین کمال و تمام را بدانیم. فرض بفرمایید: خانه‌ای با تمام وسائل و امکانات ساخته شود که همه چیز آن هم سرجای خودش باشد اینجا می‌گویند خانه تمام شد اما هنوز کامل نشده است. وقتی منزل

کامل می‌شود که اشخاصی در آن سکونت کنند و از آن استفاده کنند بنابراین، کمال منزل به اشخاص و استفاده است و تمام منزل به تمام شدن و ساخت خانه است. (دَقَّت).

خدای متعال فرمودند: من در روز غدیر دین را کامل کردم و نعمت را تمام کردم. معلوم می‌شود که خود این نعمت است و تمام شد اما تا قبل از روز غدیر کامل نشده بود. بنی‌ن با ولایت مولا علی علیه السلام کامل شد هر چند قبلاً تمام شده بود اما با ولایت و نصب علی علیه السلام به خلافت، کامل شد و کمال پیدا کرد. پس بین اتمام دین و اکمال دین فرق هست. ممکن است دینی تمام باشد اما کامل نشده باشد. دین ما هم با نزول آخرین آیات تمام شد اما هنوز کامل نشده بود، و در روز غدیر به دستور خدای متعال و با نصب امام علی علیه السلام کمال پیدا کرد و بنابراین، می‌توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم که: امامت و ولایت علی علیه السلام ائمه علیهم السلام اصل دین است و جزء اصول دین است نه جزء فروع دین. یعنی اصول دین می‌شود توحید، نبوت، عدل، معاد و امامت. اگر در این آیه فکر کنیم می‌بینیم این طایفه فهمیده می‌شود چون که کمال دین به ولایت و امامت استناد داده شده است لذا امامت می‌شود اصول دین و اصل دین زیرا اگر این امامت و ولایت علی علیه السلام و اولاد بزرگوارش باشد دین کامل نمی‌شود هر چند تمام شده است. (دَقَّت).

نکته سوم: اینکه اگر این آیه شریفه را در کنار آیه ۱۹ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۸۵ همان سوره قرار دهیم می‌فهمیم که دین اسلام همان ولایت و امامت است. به آیات دَقَّت کنیم:

خدای متعال در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۹ و ۸۵ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۱ «دین نزد خداوند، اسلام و تسلیم شدن در مقابل حق و حقیقت است» ﴿وَوُضِعَ

مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ^۱ «هر کس غیر از اسلام و تسلیم شدن دینی را قبول کند و بطلبد از او قبول نمی شود» و عجیب است که در همین آیه سوره مائده خداوند می فرماید: ﴿رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۲ «اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم».

وقتی خوب در این سه آیه فکر کنیم این مطالب را می فهمیم که:

اولاً با ولایت و نصب امام علی (ع) دین کامل شد؛

دوماً: دین نزد خدا اسلام و تسلیم شدن است؛

سوماً: ولایت علی (ع) اولاد او همان اسلام و تسلیم شدن در مقابل خداوند است چون که کمال دین بآن ها است؛

چهارماً: پس ولایت و نصب علی (ع) اصل دین است؛

پنجماً: اگر کسی غیر از ولایت و امامت علی (ع) را به عنوان دین برگزیند از او قبول نمی شود. (دقت).

نکته چهارم: عجیب است که در آیه مبارکه فرمود: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۳ و نفرمود «إِنَّ الْأَدْيَانَ». دین ها نزد خداوند اسلام است. این را به صورت مفرد آورد نه جمع این خود می رساند که: حقیقت تمام ادیان الهی تسلیم شدن همان در مقابل خداوند متعال است و چون که پیغمبر مآب (ص) آخرین آن انبیاء (ع) است، پس دین او کامل تر است و این دین باید بعد از او هم بماند و کسی آن را نگیرد. چون که دین اسلام و شیعه تمام ادیان الهی است و آن چیزی که دین خدا را حفظ می کند و اصل آن است ولایت است یعنی سرپرستی و صاحب اختیاری امام علی (ع) امور جامعه و مردم را. و از آیه سوّم سوره مائده استفاده کرده که اصل دین و کمال دین همان

۱. آل عمران: ۸۵/۳.

۲. مائده: ۳/۵.

۳. آل عمران: ۱۹/۳.

امامت و ولایت مولی علی علیه السلام است و بدون آن دین کامل نمی شود و دین هم مقبول نیست. پس دین نزد خدا همان اسلام و تسلیم شدن در مقابل خداوند است که مصداق بارز آن قبول کردن و نصب امام علی علیه السلام و قبول و تسلیم شدن در مقابل آن بزرگوار است. (دقت)

نکته پنجم: اینکه هر پیامبری و هر شخصی که در قبول ولایت ایشان تأمل کند و اینکه کسی آن قبول نکند به شرک مبتلا و گرفتار خواهد شد. چون که امامت و ولایت امام علی علیه السلام اصل دین است نه فرع آن، دین هم تسلیم شدن در مقابل خداوند و دستورات او است پس تمام انبیاء و ولایت ایشان را بشارت داده اند و قبول کرده اند و اگر بعضی از آن بزرگواران در قبول ولایت دینگ کردند مبتلا و گرفتار شدند چون که باید در مقابل دستورات او تسلیم بود. (دقت)

با توجه به این چند نکته می توانیم دقت بیشتری در روایات شریفه ای که جناب آیت الله محمد کاظم رحمته الله علیه در رساله شریف محکم التبیان آوردند دقت و تفکر کنیم، انشاء الله.

مطلب دوم:

نبی از اسماء الله نیست اما، ولی از اسماء الله است.
حضرت علامه حسن زاده آملی مد ظله العالی در کتاب «الانسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه» از صفحه ۶۰ به بعد فرمودند:

«بدان چنان که جز حق تعالی کسی حق تشریع ندارد همچنین حق تعیین امام که خلیفه الله است با حق تعالی است و جز خداوند سبحان احدی حق تعیین خلیفه را ندارد چنان که فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱ در کلمه «إِنِّي» تدبیر بسزا لازم است و نیز بدان که ولایت به حسب رتبت اعلی و ارفع از رسالت و نبوت است. چون

ولایت باطن نبوت و رسالت است و نیل به این دو مبتنی بر ولایت است. مفاد این سخن نه این است که ولی مطلقاً اعلی از رسول و نبی است بلکه مراد این است که ولایت رسول اعلی از رسالت او است و همچنین ولایت نبی اعلی از نبوت او است زیرا ولی متبوع، حضرت خاتم^{علیه السلام} به حسب ولایت، افضل از تابعانش است چه مفضول غیر متبوع است و افضل غیر تابع. هر چند یک شخصی که نبی است از آن حیث که ولی است افضل است از آن حیث که نبی است نه اینکه ولی تابع، افضل از او است.

ولایت نبی ج به سبب غنی و اشغال به حق تعالی است و نبوت او وجهه خلقی دارد که توجه نبی به خلق است و نبوت نیست که اولی اشرف از دومی است چه آن ابدی است به خلاف اینکه منقطع است.

رسول و نبی از اسماء^{علیه السلام} نیستند اما اولی از اسماء^{علیه السلام} است لذا ولایت منقطع نمی گردد به خلاف رسالت و نبوت. چون در معنی ولی و نبی و رسول تدبیر شود ظاهر گردد که معطی نبوت و رسالت اسم ظاهر است که انکاشان متعلق به تجلی است و معطی ولایت اسم باطنی است که مفید تحلیه است و هر چیزی را علامت است و علامت سفرای الهی ولایت است. پس قرآن فرقان، به تنهایی اثبات وجوب وجود انسان کامل ولی در نشئه عنصری علی الدوام کافی است و در باب صحف علمیه معاضد آتند بلکه از بطنان آن فلسفی اند. عارف رومی در آخر دفتر دوم چنین گوید:

هم سلیمان است اندر دور ما که دهد صلح و نماند جور ما

مرحوم حکیم سبزواری در شرح آن گوید:

«چه ولی از اسماء خدا است و همیشه مظهر می خواهد پس انقطاع ولایت جایز نیست و اولیا خدا همیشه در عالم هستند به خلاف نبی و رسول که اسم خلقی اند پس انقطاع نبوت و رسالت جایز است».

خلاصه توضیح این فرمایش بلند این است که: خدای متعال اسماء گوناگونی دارد مثل حیّ، قادر، عالم، منتقم. این اسماء مظهر می‌خواهند یعنی باید خودشان را در جایی نشان بدهند مثلاً قدرت خداوند خودش را در خلقت آسمان و زمین و عجایب نشان می‌دهد و لذا بدون خلق امکان ندارد. باید خلقی باشد که خداوند خودش را و اسماءش را در آنجاها نشان بدهد و اسماء خداوند از ذات او گرفته می‌شوند و از او جدا نمی‌شوند و چون خداوند همیشه باقی است اسماء او هم همیشه باقی است. و هر در باید خودشان را در مظاهری و مخلوقی نشان بدهند لذا خدای بی‌خلق نداریم. باید خلق و مخلوقات باشد تا خداوند و اسماء او دیده شود.

ولی هم یکی از اسماء اللّه است که دائمی است به‌خاطر اینکه خدا دائمی است. بنابراین، تا ابد مظهر می‌خواهد. باید همیشه کسی باشد که خداوند متعال، اسم ولیّ خود را در او نشان بدهد و از آن کامل. ولیّ خدا است بنابراین، همیشه انسان کامل بوده و خواهد بود تا اسماء خداوند دیده شود و خودش را نشان بدهد. (دَقّت) و انبیای الهی همین را می‌دانستند لذا هر کدام که اُمّلی و درنگی در این مطلب کردند مبتلا و گرفتار شدند (دَقّت).

با توجه به این مطالب باید بیشتر در روایاتی که آن بر رویان نقل فرمودند در مورد ولایت امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرات ائمه علیهم السلام دَقّت گردد. هو الهادی.

مطلب سوّم: فضائلی از مولا علی علیه السلام

۱. اثر مشخص کردن فضائل علی علیه السلام:

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند این خلق را عذاب نمی‌کند مگر به‌خاطر گناهان علمای آن علمایی که فضائل علیّ و عترتش علیهم السلام را کتمان می‌کنند و نمی‌گویند و نشر نمی‌دهند آگاه باشید بعد از انبیا و رسولان الهی کسی روی زمین قدم گذاشته که بافضیلت‌تر از شیعه علی علیه السلام و دوستان او باشد کسانی که امر و فضل

علی را نشر می دهند، رحمت خداوند آن ها را فرا گرفته است و ملائکه برای آن ها استغفار می کنند و وای و تمام وای بر کسانی که فضائل علی علیه السلام را کتمان کنند و امر او را مخفی کنند این ها چطور بر آتش صبر می کنند؟! وبل یک جایی است در جهنم.

۲. کُنه علی علیه السلام ناشناخته است:

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی جز خدا و من کسی تو را نشناخت و جز خداوند و تو کسی مرا نشناخت و جز من و تو کسی خدا را نشناخت. «ما عرفتک إلا الله و أنا و ما عرفنا إلا الله و أنت و ما عرف الله إلا أنا و أنت»^۱

خداوند اسماء مختفی دارد: الله، رحمان، رحیم، حی، قادر، عالم، منتقم و... هر یکی از مخلوقات مظهر بیه یکی از اسماء و کمالات خداوند است و آن اسماء خودشان را در آنجاها نشان می دهد اما علی مظهر اسم جلاله الله است. چطور الله اسم آن شخصی است که تمام کمالات را در حد بی نهایت دارد، علی هم مظهر آن اسم است و الله خود را، در علی نشان داده است. لذا او هم، کنهش ناپیداست و کسی جز خدا و پیغمبر او را نمی شناسند. (دقت)

تمام اسماء خداوند هر کدام یک چیز را نشان می دهند: رحمان رحمت دارد. عالم، علم دارد و... اما الله تمام اسماء و کمالات را دارد. پس کسی که در فضایل و کمالات او تأمل کند مبتلا می شود، چه نبی باشد و چه هر کسی. (دقت)

۳. علی علیه السلام شبیه سوره «قل هو الله احد» است.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی مثل تو مثل «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^۲ است. هر کس یکبار آن را قرائت کند مثل این است که ثلث قرآن را خوانده است و هر کس دوبار آن را قرائت کند مثل این است که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر کس سه بار آن را

۱. همدانی، امام علی علیه السلام، ص ۳۵.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۶۷.

۳. اخلاص: ۱/۱۱۲.

قرائت کند مثل این است که تمام قرآن را ختم کرده است. بنابراین کسی که تو را با زبانش دوست داشته باشد یک‌سوم ایمان را کامل کرده است و کسی که با زبان و قلبش تو را دوست داشته باشد دو‌سوم ایمان را کامل کرده است و کسی که با دست و قلب و زبان تو را دوست داشته باشد تمام ایمان را کامل کرده است.

قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرده به عنوان نبی، اگر تمام اهل زمین مثل تمام اهل آسمان تو را دوست داشته باشند، خداوند هیچ‌کسی را با آتش عذاب نمی‌کند. ای علی جبرئیل علیه السلام مرا بشارت داد از طرف رب العالمین که خداوند به من فرمودند: ای محمد صلی الله علیه و آله بشارت بده به برادرت علی که: من هر کس، او را دوست داشته باشد و ولی امر خود بدان عذاب نمی‌کنم و هرکسی که با او دشمنی کند به او رحم نمی‌کنم.^۱

۴. علی امام مبین است.

ابن عباس می‌گوید وقتی این آیه نازل شد: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»^۲ یعنی هر چیزی را در امام مبین احصاء و محصص کرده‌ام. ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند یا رسول الله آیا امام مبین تورات است؟ فرمودند: خیر. گفتند: آیا انجیل است؟ فرمودند: خیر. گفتند: آیا قرآن است؟ فرمودند: خیر. یک دفعه امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: این آن کسی است که خداوند علم هر چیزی را در او احصاء کرده و قرار داده است و تمام خوشبخت کسی است که علی را در زنده‌بودن و بعد از فوت کردنش، دوست داشته باشد و تمام ابله‌ها و احمق‌ها کسی است که علی را در زنده‌بودن و بعد از فوتش دوست نداشته باشد و بغض داشته باشد.^۳

۵. علی تمام کمالات انبیاء علیهم السلام و ملائکه را دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۱۷.

۲. یس: ۱۲/۳۶.

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۲۷.

حضرت رسول ﷺ فرمودند: «هر کس می خواهد که به اسرافیل در رجعت و مقامش نگاه کند و به میکائیل در درجه اش نگاه کند و به نوح در صبرش نگاه کند و به ابراهیم در سخاوتش نگاه کند و به عیسی در جوانمردیش نگاه کند و به محمد ﷺ در شرف و منزلتش نگاه کند پس به علی بن ابی طالب نگاه کند». ^۱ یعنی همه این کمالات را علی دارد.

آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری.

گر جان من هیچ، گسلد از بندش
در خاک رود، وجود حاجتمندش
بالله ز مشرق دل من سرزند
جز مهر علی و یازده فرزندش

علی نبینا و آله و عیبه السلام

فضایل علی علیه السلام بی نهایت است عزیزان می توانند به کتاب شریف «انوار الیقین من اسرار امیرالمؤمنین» تألیف مرحوم - افط زجب بررسی مراجعه بفرمایند، خیلی مفید است.

برادران عزیز اهل سنت هم فضایل علی علیه السلام را در کتاب هایشان آورده اند و عزیزان می توانند به کتاب عمده تألیف ابن طریق مراجعه فرمایند که فضایل علی و اولاد او علیه السلام را در آنجا از کتاب های اهل سنت آورده است. بنده فقط چند روایت را ذکر می کنم.

الف) ابن مغازلی در مناقبش، ص ۲۰۲ می گوید:

حضرت رسول ﷺ فرمودند: «ذکر علی عبادۀ؛ ذکر یا علی علیه السلام عبادت است».

ب) همچنین در ص ۲۱۱ می گوید: حضرت رسول ﷺ فرمودند:

«زینوا مجالسکم بذکر علی علیه السلام؛ مجالستان را با نام و یاد علی علیه السلام، زینت دهید».